

۹۸۷۶۵۴۳۲۱

رمز زندگی

قواعد جدید برای موفقیت در دنیای واقعی

دکتر فیل مک‌گرا

مترجم: زهرا صحرانی



نشر راوشید

www.ravshid.ir

ISBN : 978-622-8259-20-8



9 786228 259208

سرشناسه	: مک‌گراو، فیلیپ سی. ۱۹۵۰ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: McGraw, Phillip C., 1950-
مشخصات نشر	: رمز زندگی: قواعد جدید برای موفقیت در دنیای واقعی / فیل مک‌گرا؛ مترجم زهرا صحرایی. کرج: راوشید، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ م.
شابک	: 978-622-8259-20-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Life Code: The New Rules for Winning in the Real World.
عنوان دیگر	: قواعد جدید برای موفقیت در دنیای واقعی.
موضوع	: موفقیت
	: Success
شناسه افزوده	: صحرایی، زهرا. ۱۳۸۰ - مترجم
رده بندی کنگره	: BF۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۱/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۵۲۳۶۴



راوشید

www.ravshid.ir

عنوان کتاب:	رمز زندگی
نویسنده:	فیل مک‌گرا
مترجم:	زهرا صحرایی
ناشر:	راوشید
نوبت چاپ:	اول
سال نشر:	۱۴۰۴
شمارگان:	۵
چاپخانه/صحافی:	شبنا
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۸۲۵۹-۲۰-۸

قیمت: ۲۵۵۰۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۶۵۲۷۱۹۴-۰۹۳۶۲۸۰۹۱۸۲

انتشارات راوشید: البرز، کرج، فردیس، تقاطع بلوار بهاران و بلوار امام خمینی، نسترن غربی، کوی شهید شجاعی، پلاک ۳۹ - تلفن: ۰۲۶۳۶۵۲۷۱۹۴

بر طبق قاعده حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۳۸، هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، چاپ، پخش یا عرضه نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن مترجم ۵

مقدمه‌ای بر جزئیات پنهان و پشت پرده قواعد جدید "رمز زندگی" ۷

بخش ۱ - "افراد بد" در دنیای واقعی: چگونه آنها را شناسایی و شکست دهیم ۱۱

فصل ۱ - "زندگی یک بازی است: بازی کن و یا به بازی گرفته شو." ۱۱

به دست آوردن هر آنچه که می‌خواهی و حفظ هر آنچه که به دست آوردی ۱۳

زندگی عادلانه نیست، خوب که چی؟ ۱۸

بیترها چه کسانی هستند؟ ۱۹

مرگ مصومیت ۲۳

چه کسی مراقب شماست؟ ۲۴

فصل ۲ - این افراد چه کسانی هستند؟ ۲۷

دشمن خود را بشناسید (واقعاً بشناسید) چون آنها قطعاً شما را می‌شناسند ۲۷

مروری اجمالی بر زندگی شما ۳۱

زنگ خطر ۳۴

"هشت شر" یا هشت شناسه شاخص در بیترها ۳۵

اهمیت شک کردن: چرا باید شک کنیم؟ ۴۱

زمانیکه زنگ‌های خطر به صدا در می‌آیند ۴۳

فصل ۳ - شگردها و اسرار نانوشتنه "انسان‌های بد" یا "بیتر" ها ۴۶

"۱۵ حقه یا نیرنگ کثیف و شوم" ۴۹

آیا یک دوست واقعی با شما اینگونه رفتار می‌کند؟ ۶۵

تشخیص تهدیدات احتمالی ۶۶

یادداشتی برای بیتربهای حاضر در میان ما ۶۸

بخش ۲ - رمز موفقیت در زندگی "و راهکارهای نوین برای پیروزی در دنیای واقعی" ۷۰

فصل ۴ - از آسیب‌پذیر بودن دست بردارید ۷۰

تشخیص بده که چی برات مناسبه و چی برات مناسب نیست ۷۲

با چیزهایی که پنهان می‌کنید مواجه شوید ۷۴

به بازی "چی میشه آگه؟" ملحق شو ۷۵

انتظارات واقع‌بینانه داشته باش ۷۸

- تحقیقات رو انجام بده آماده شو و یک فهرست تهیه کن. ۷۸
- گنجینه دارایی‌های تو. ۸۱
- پذیرش نقاط ضعف و ویژگی‌های منفی. ۸۲
- دنیاال چی هستی؟ ۸۲
- فصل ۵ - شیوه‌نامه "قواعد جدید موفقیت در زندگی" ۸۷
- شیوه‌نامه "قواعد جدید زندگی" ۸۹
- هفت ترفند کلیدی برای دستیابی به اهدافتان. ۱۰۰
- برای تنش‌ها و بحث‌های پیش‌رو، برنامه‌ریزی کن. ۱۰۹
- فصل ۶ - حذف ابهامات در مذاکره - و توافق کردن با افراد سازش ناپذیر. ۱۱۵
- زندگی خودش یک نوع مذاکره هست. ۱۱۶
- بیاین تا باهم به توافق برسیم. ۱۱۹
- نحوه برخورد صحیح با مسائل غیرقابل مذاکره. ۱۲۳
- آیا مذاکره می‌تواند یک ازدواج را از طلاق نجات دهد؟ ۱۲۵
- حد و مرز تعیین کن. ۱۲۹
- از حق فرزندانتون دفاع کنید. ۱۳۰
- فصل ۷ - فرزندپروری در دنیای واقعی. ۱۳۲
- "احساسات عجیبات" رو بشناس. ۱۳۵
- فرزندپروری در دنیای واقعی. ۱۳۸
- فرزندانتون رو زمین گیر نکنین. ۱۳۹
- "موارد قرمز و غیرقابل مذاکره" بین شما و فرزندانتان. ۱۴۳
- پرورش فرزندتان با ارائه الگوی مناسب. ۱۴۷
- زندگی با میراث و یادبودها. ۱۴۸
- بازگشت به دور باطل اولیه. ۱۴۹
- فصل ۸ - جمع‌بندی. ۱۵۰
- درباره نویسنده. ۱۵۰

سخن مترجم

خلوند را شاکرم که فرصتی پیش آمد تا کتاب "رمز زندگی" نوشته دکتر فیل مکگرو را به شما معرفی کنم. وقتی برای اولین بار این کتاب را خواندم، احساس کردم که در حال کشف یک گنجینه ارزشمند از دانایی و تجربیات هستم. ترجمه این کتاب برای من شبیه یک سفر هیجان‌انگیز بود. هر صفحه‌اش مرا به تفکر و تأمل در زندگی‌ام واداشت.

به عنوان مترجم این اثر، سعی کردم که پیام‌های دکتر فیل را با زبان و فرهنگ فارسی که با آن آشنا هستیم، منطبق و به شما منتقل کنم. این کتاب شامل نکات کلیدی برای مدیریت روابط، شناسایی اهداف و غلبه بر چالش‌های زندگی است و به ما کمک می‌کند تا در دنیای پیچیده امروز، برنده باشیم.

ما واقعاً در دوران هیجان‌انگیزی زندگی می‌کنیم! از کودکی به ما اطلاعاتی در مورد خواندن، جمع و تفريق، ترکیبات شیمیایی مواد و بسیاری از حقایق دیگر می‌آموزند؛ اما به ما یاد نمی‌دهند که چگونه پیروز شویم یا از دستاوردهای خود یا عزیزان‌مان به درستی حفاظت کنیم.

آیا شما نیز تا به حال احساس کرده‌اید که در دنیای امروز، قوانین بازی تغییر کرده‌اند؟ دکتر فیل مک‌گرو در کتاب "رمز زندگی" ما را با قواعد جدیدی آشنا می‌کند که برای موفقیت در زندگی واقعی به آنها نیاز داریم. این کتاب به ما کمک می‌کند تا افراد منفی و سوءاستفاده‌گر که به آنها پیتر می‌گویم را شناسایی کنیم و از خودمان در برابر آنها محافظت کنیم. همه ما احتمالاً در زندگی خود با چنین افرادی روبرو شده‌ایم و دکتر فیل با نشان دادن ویژگی‌های آنها به ما کمک می‌کند تا از تله‌های آنها دوری کنیم و به موفقیت و خوشبختی دست یابیم.

هر عبارت در "رمز زندگی" بار معنایی خاصی را به دوش می‌کشد و مسئولیت من این بود که اطمینان حاصل کنم این ظرافت‌ها در ترجمه حفظ شده است. من با دقت به این کار پرداختم و تلاش کردم صدای منحصر به فرد دکتر فیل را حفظ کنم. در بخشی از این کتاب، دکتر فیل به این حقیقت اشاره می‌کند که زندگی همانند میلان مسابقه است و با همانند بازیکن‌هایی هستیم که یا بازی می‌کنیم و یا به بازی گرفته می‌شویم. شاید دلتان نمی‌خواست که اینچنین باشد، اما متأسفانه این موضوع واقعیت دارد. اگر از دور، زندگی‌تان را بررسی کنید، به این حقیقت دست می‌یابید که شما نیز برای یافتن همسر، شغل، جایگاه اجتماعی و دوست با دیگران رقابت کرده‌اید.

به این فکر کنید که اگر در دوره‌های خلبانی شرکت کنید می‌توانید خلبان شوید؛ اگر در کلاس خوانندگی ثبت نام کنید؛ می‌توانید آواز بخوانید، پس چرا در دوره‌های موفقیت شرکت نکنید؟ چرا نباید بفهمیم که برای رسیدن به خواسته‌هایمان باید چطور فکر، احساس و عمل کنیم؟ ما در دنیای متفاوتی زندگی می‌کنیم، دنیایی که نیازمند مهارت‌های متفاوتی نسبت به ده سال پیش است. با خطر اینکه شاید خودخواه به نظر برسیم، اما اگر شما این کتاب را بخوانید، به یک "برتری بزرگ" نسبت به رقبا دست خواهید یافت. رقیب‌های شما ذهنیتی دارند که دیگر با دنیای متغیر امروز منطبق نیست. پس، با خواندن این کتاب شما به پیشی دست می‌یابید که دیگران هرگز از آن آگاه نیستند.

به یاد داشته باشید که زندگی هیچ کس بدون چالش نیست، اما ما می‌توانیم با درک خود و دیگران، زندگی‌مان را به سمت بهتری هدایت کنیم. دکتر قیل با صراحت و صداقت از تجربیاتش می‌گوید و به ما نشان می‌دهد که چطور می‌توانیم از اشتباهات‌مان درس بگیریم و به سمت رشد و پیشرفت برویم. یکی از چشمگیرترین جنبه‌های رویکرد دکتر قیل، تأکید او بر اهمیت خودآگاهی است. سفر به سوی درک خود معمولاً با موانع زیادی روبروست، اما برای رشد شخصی بسیار ضروری است.

امیدوارم که شما نیز در حین بررسی صفحات "رمز زندگی"، به شناخت بهتری از خود و ظرفیت‌های وجودی‌تان برسید. به شما اطمینان می‌دهم که در پایان این کتاب به دید شفاف‌تری نسبت به عملکرد دنیا برسید و این آمادگی را پیدا کنید که برای هر چیزی که ارزشمند است بجنگید تا زمانیکه آنرا بدست بیاورید و از این طریق، خود را برای رویارویی با "رقیب سرسخت" که زندگی نام دارد، آماده کنید.

به یاد داشته باشید که زندگی داستانی پیچیده است که در هر فصل آن، لحظات خاصی نهفته است. وجود برخی از افراد در زندگی، به خلق این لحظات زیبا کمک می‌کند. آنان که همانند نورهایی در شب، راه را روشن می‌کنند و به یادگارهایی گرانبها تبدیل می‌شوند. من نیز از این قائده مستثنی نیستم و مایلم که از تلاش‌های بی‌وقفه اعضای راهشید برای انتشار این کتاب تأمل‌برانگیز صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. همکاری و حمایت شما در تمامی مراحل این پروژه، از ویرایش تا چاپ نهایی، بی‌نظیر و ارزشمند بود. از تمامی اعضای تیم انتشارات که با دقت و حوصله فراوان در این مسیر همراه بودند سپاسگزارم. امیدوارم که این همکاری موفقیت‌آمیز، سرآغازی برای پروژه‌های آینده باشد. می‌خواهم از شما خانواده عزیزم که همیشه در کنارم بودید و با عشق و حمایت بی‌پایان‌تان مرا در مسیر زندگی همراهی کردید، از صمیم قلب تشکر کنم. از شما استاد گرامی جناب آقای بهشتی‌پور نیز کمال تشکر را دارم و قدردان فداکاری‌هایتان هستم. از دیگر دوستانم که از دور و نزدیک همانند نورهایی درخشان این مسیر را برایم روشن کردند نیز تشکر می‌کنم. اگر پشتیبانی و تشویق‌های بی‌وقفه تک تک شما عزیزان نبود این پروژه هرگز به نتیجه نمی‌رسید. می‌خواهم از خودم نیز تشکر کنم چون سخت تلاش کرد، تسلیم نشد و همیشه خودش بود. شما نیز در انتهای این کتاب، بابت انتخابی که داشتید از خودتان تشکر خواهید کرد.

و در نهایت، از شما خوانندگان عزیز، که وقت و انرژی خود را برای مطالعه این کتاب اختصاص داده‌اید و به من اجازه دادید که بخشی از این تجربه باشم، سپاسگزارم. امیدوارم که "رمز زندگی" به همان اندازه که برای من عمیق بود، برای شما نیز تأمل‌برانگیز باشد و کمک کند تا زندگی شادتر و موفق‌تری داشته باشید. یادتون باشه که اگر قدرت ریسک‌پذیری رو نلارید، پس باید خودتون رو برای معمولی بودن آماده کنید.

به امید فردایی بهتر،

دوستدار شما، زهرا صحرایی، شهریور ۱۴۰۳

مقدمه‌ای بر جزئیات پنهان و پشت پرده قواعد جدید "رمز زندگی"

اگرچه این اولین صفحه‌ای است که شما آن را می‌خوانید، اما باید اعتراف کنم که این آخرین مطلبی است که من قبل از اتمام کتاب مینویسم. من واقعاً نمیتوانستم این قسمت را تا زمانیکه کتاب کاملاً تمام نشده بنویسم. چون نوشتن آن به طور چشمگیری برایم مهم است. راستش را بخواهید، معمولاً پس از نوشتن یک کتاب، خسته و خرد می‌شوم، اما الآن اصلاً اینطور نیست. حس میکنم که بسیار حواس جمع و پرنرژی هستم. هرچه که به محتوای این کتاب افتخار کنم، باز هم کم است. این کتاب با شور و عزمی راسخ نوشته شده است. با توجه به حرفه و تجربیات ۳۵ ساله‌ام، می‌توانم بدون تردید اعلام کنم که سرد و گرم روزگار را چشیده و تمام ابعاد زندگی را از نزدیک دیده‌ام. در این «دین‌ها»، به حکمتی دست یافته‌ام که گاهی دردناک است و در تلاطم که آن را در صفحات پیش رو با شما به اشتراک بگذارم.

من در این کتاب می‌خواهم به شما بگویم که جهان واقعی چگونه کار می‌کند و شخصیت شما چقدر تحت تأثیر آن قرار گرفته است. من نمی‌خواهم شما را تغییر دهم بلکه میخواهم شما را بیشتر با خودتان آشنا کنم (مگر اینکه شما یکی از افرادی باشید که در فصل‌های ۲-۱ و ۳ توصیف می‌کنم و در این صورت حتماً باید تغییر کنید!) این حرف را به این دلیل زدم که در سه فصل اول، از حضور افرادی در زندگی‌تان آگاه میشوید که تنها در یک چشم به هم زدن قادر به فریب سواستفاده و خیانت به شما هستند. بعد از اتمام خواندن این بخش، آنها دیگر نمی‌توانند جلوی شما را بگیرند یا دوباره از پشت به شما خنجر بزنند. سپس، کاملاً بحث را عوض میکنم و شما در مورد خودتان مطالعه خواهید کرد و بعد از آن، یک شیوه‌نامه از "رمز زندگی" می‌خوانید تا بدانید که چگونه باید قدرتمند و برنده شوید. منظورم این است که بتوانید فارغ از تمام برخوردهایی که در بخش اول با افراد "دغل باز" داشتید؛ بتوانید به موفقیت برسید.

می‌خواهم تمام بخش‌های این فرآیند را با شما به اشتراک بگذارم زیرا این "قواعد جدید" بسیار ارزشمند هستند. وقتی تصمیم گرفتم که دربارهٔ این افراد بنویسم؛ آرزو کردم که ای کاش هرگز با آنها برخورد نکرده بودم. اما با تکیه بر تجربیات شخصی‌ام شروع به نوشتن کردم. روز یکشنبه بعد از ظهر، پشت میز کارم نشستم و فهرستی تهیه کردم از تمام افرادی که در طول زندگی سعی کردند تا به من صدمه بزنند خیانت بکنند و از من و کسانی که دوستشان دارم، سوء استفاده کنند. متأسفانه، فهرستی نسبتاً طولانی از افرادی که از دوران کودکی تا کریسمس سال گذشته با آنها آشنا شده‌بودم آماده شد! به قری درگیر تهیه این فهرست بودم که قراموش کردم غذا بخورم و این برای من یک قصور جدی بود!

در ادامه توضیح می‌دهم که چگونه مطالب را متمرکز کردم. من به هر یک از این دغل‌بازها، یک برگه اختصاص دادم. (برای پی بردن به هویت و "ماهیت وجودی" برخی از آن‌ها، برای نوشتن کارهایی که در حقم انجام دادند یا میخواهند انجام دهند؛ نیاز به چندین برگه بود!) من مطمئنم که برای شما نیز اینچنین خواهد بود (در بالای برگه، ماجرای که در آن سر به سرم گذاشتند را شرح دادم. سپس، با "کالبد شکافی" تمام آنچه که اتفاق

افتاده بود را با جزئیات کافی توضیح دادم. هرچه که گفتند یا انجام دادند را یادآوری و نوشتم. نمرهٔ بازیابی ام ۲۰ از ۲۰ بود. به عبارت دیگر، مرور خاطرات برایم بسیار آسان بود. همانطور که گفتم، چندین فهرست کامل نوشتم و تمامشان را روی دیوار محل کارم چسباندم تا بتوانم به آسانی آنها را جابه‌جا، پیدا و بخوانم و در صورت نیاز، نکاتی را اضافه کنم. بعضی از نشانه‌ها را با مداد رنگی‌های نوه خردسال، آوری، رنگ‌آمیزی کردم تا بینم آیا این ترغندها و رفتارهای پنهانی از موقعیتی به موقعیت دیگر تکرار می‌شوند یا خیر.

والی پسر! - والی خدا! من شوکه شده بودم! شباهت‌هایی که بین این افراد وجود داشت بسیار زیاد بود. منظورم این است که وجود این همه هماهنگی در رفتار و خصوصیات فردی شان باورنکردنی بود. دقت کنید، من دارم دربارهٔ افرادی حرف می‌زنم که اصلاً یکدیگر را نمی‌شناختند. شباهت‌ها به حدی زیاد بود که انگار همهٔ آنها در کلاسی با عنوان "چطور دیگران را فریب بدهیم" شرکت کرده بودند. این حقیقت در ظاهر بسیار واضح و آشکار است، اما باور کنید که در ابتدا اصلاً اینطور به نظر نمی‌رسید. من فقط به ویژگی‌های کلّی دغل‌بازان (مثل اینکه دروغ‌شاخ‌نار می‌گویند) بسنده نکردم، بلکه همه چیز را موشکافی کردم و به اینکه آنها که بودند و چه کردند نیز توجه کردم.

با شکافتن لایه‌ها، فهمیدم که میتوان رفتارهای این مدل افراد را به شکلی معین در فهرستی محدود شناسایی و توصیف کرد. نمی‌توانستم باور کنم که چطور همهٔ آنها به یک شکل از مردم سوءاستفاده می‌کردند. این حقیقت به قدری ضایع بود که جلب توجه میکرد. با خودم فکر کردم: "شوخی گرفته؟ چطور ممکنه که با این همه تجربه و سابقه کار تا الآن متوجه این موضوع نشده باشی و در موردش حرف نزده باشی؟" از خودم دلخور بودم. سپس، شروع به تحقیق در نشریات مختلف کردم. می‌خواستم ببینم آیا کسی قبلاً به این ارتباط پی برده یا همه چیز را یکجا جمع‌آوری کرده است یا خیر. من کتاب‌روشی‌ها، سایت آموزن، تمام کتاب‌های روانشناسی - روانپزشکی و جامعه‌شناسی را بررسی کردم. بعد، جدیدترین کتاب روانپزشکی - روانشناسی معاصر را مورد ارزیابی قرار دادم. کتاب (راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی یا دی‌اس ام) که در آن، تمام بیماری‌ها و سندروم‌های مختلف به همراه ویژگی‌ها و خصوصیاتشان به طور دقیق لیست شده‌اند. این کتاب در نوع خود بسیار عالی است، اما فقط به تفاوت‌ها می‌پردازد تا تشابه‌ها. خلاصه که من هیچی پیدا نکردم. هیچی.

شاید نویسندگان و پژوهشگران بر این باور بودند که نتایج چنین پژوهشی ناخوشایند، ببردخور یا غیرقابل توصیف است. "اما بیخیال! ما دنیای نابودی داریم که انسان‌های مسموم اون رو به گند کشیدن. آدمایی که فقط با این هدف از خواب بیدار میشن که از دیگران سوءاستفاده کنن". اینکه این افراد چه کسانی هستند و چگونه این کارها را انجام میدهند؛ کاملاً قابل تشخیص است! پس از این پس، بعد از شنیدن این حرف‌ها تعجب نخواهیم کرد.

در ادامه این کتاب، قصد دارم رازی که آن را "هشت شر" می‌نامم، برایتان فاش کنم. (هشت ویژگی شاخص در این افراد که بلافاصله با دیدن آنها، متوجه شان می‌شوید) اگر شما هم مثل من باشید، وقتی برای نخستین بار این اطلاعات را یکجا و به طور مختصر می‌بینید ممکن است محکم با کف دست به پیشانی خود بزنید و بگویید: "الآن چند همه چیز واضح! اوه پسر، اگه قبلاً همه چیزایی که الان می‌دونم را می‌دونستم، خیلی چیزا توی زندگیم متفاوت میشد." خب شما خواهید دانست و به زودی همه چیز برایتان متفاوت خواهد بود.

اما، من متوقف نشدم و ادامه دادم. دقیقاً همین روند را در مورد افراد خوب نیز تکرار کردم. الآن همه چیز عالی و رو به راه بود! فهرستی از تمام آدم‌هایی که به آنها افتخار میکردم و تا حدی سر از کارشان درمی‌آوردم، نوشتم. همان افرادی که شخصاً شاهد موفقیت، پیروزی و تاثیراتشان در این دنیا بودم. شاید خودخواهانه به نظر برسد! اما اسم خودم را نیز نوشتم. چون به خانواده، شغل و زندگی‌ام افتخار میکنم. تقریباً ۴۰ سال از ازدواج موفقم میگذشت و دو پسر عالی و برتر نیز داشتم. پس گفتم، بد نیست که نگاهی به گذشته خودم بنندازم! در بالای صفحه، دلیل انتخاب هر فرد را یادداشت کردم. دلایلی مثل کسب و کار، خانواده، باورهای دینی و سلامتی. این فهرست شامل افراد موفق از تمام طبقات جامعه، مرد و زن، پیر و جوان، ثروتمند و فقیر بود. از دیدگاه من، تمام این افراد به نوعی برنده بودند.

سپس، مثل دفعهٔ قبل فهرستی از ویژگی‌ها، خصوصیت‌ها و رفتارهای آنها آماده کردم. چه عواملی در موفقیت این افراد نقش دارند؟ تحصیلات؟ هوش؟ گیرایی؟ اشتیاق؟ مهارت‌های اجتماعی؟ ریسک‌پذیری؟ مهارت‌های تحلیل؟ مهارت حل مسئله؟ یا شاید مهارت‌های مذاکره یا مهارت‌های مدیریتی؟ من این موارد را بر روی دیوار دیگری در همان اتاق نصب کردم. (داشتم رابین رو دیوونه می‌کردم!)

دوباره شروع به بررسی و رنگ‌آمیزی کردم تا ببینم آیا واقعاً هیچ اشتراکی بین آنها وجود دارد یا اینکه خاص هستند و هیچ شباهتی با دیگر افراد موفق ندارند باز هم شوکه شدم! اگرچه این افراد از طبقات اجتماعی مختلفی آمده بودند و شاید هیچ وقت یکدیگر را نمی‌شناختند، اما شباهت بیش‌از-پیش‌شان شگفت‌انگیز بود. مسلماً، تفاوت‌هایی هم وجود داشت، اما مهم‌تر از تفاوت‌ها، فهرست تیره تیره از ویژگی‌ها، خصوصیت‌ها و ترفندهای این افراد بود. موفقیت تصادفی اتفاق نمی‌افتد؛ مردم با تکیه به "شانس" موفق نمی‌شوند. موفقیت ساخته می‌شود و به همان اندازه که به دست آوردنش مهم است، حفظ و مدیریتش نیز حائز اهمیت است. من ندیدم که هیچ فرد موفق، در مسیر رسیدن به هدفش، مورد حمله قرار نگیرد. شما این جمله را شنیدماید که می‌گویند: "موفق‌ترین افراد، تنها ترین افراد هستند." و این درست است.

هرچه از میزان هیجانم بگویم؛ باز کم لطفی کرده‌ام. رمز موفقیت این افراد نیز قابل شناسایی بود. رمزی که می‌شد آن را به شکلی معین و قابل مشاهده در فهرستی محدود، شناسایی و توصیف کرد. وقتی به شما می‌گویم که این فهرست یک فهرست معمولی نبود؛ حرفم را باور کنید این رمزی نبود بتوانید با تنستن و فکر کردن در مورد موفقیت‌های این افراد به آن پی ببرید. اما خبر خوب این که حتی اگر مسیر موفقیت در حالت عادی مشخص نباشد، ردپایش قابل تشخیص است. شما می‌توانید این ردپا را دنبال کنید و بدانید که در پایه و اساس آن چه چیزی وجود دارد. بنابراین، من همان مراحل را که برای فهرست قبلی انجام داده بودم، تکرار کردم. کتاب‌روشی‌ها، سایت‌آموزن، تمام کتاب‌های روانشناسی-روانپزشکی و جامعه‌شناسی را بررسی کردم. من کتاب‌ها، نوارها و برنامه‌های انگیزشی "تمجید آمیز" زیادی پیدا کردم (بعضی از آنها به نظر خوب بودند). اما نمونه‌ای پیدا نکردم که فردی در آن به چگونگی کسب موفقیت در دنیای واقعی یا چگونگی حفظ آن اشاره کرده باشد. آنها در مورد مسائلی مانند اراده و چشم‌انداز صحبت می‌کردند، اما هیچ‌کس در مورد اینکه دنیا واقعاً چگونه کار می‌کند و اینکه گاهی نیاز به ساخت راه جدید و مبارزه است، صحبت نمی‌کرد.

شاید فقط شاید، من در دنیایی کاملاً متفاوت از آنها زندگی می‌کنم. اما در دنیای من، متقلبین گاهی برنده می‌شوند افراد سحرخیز همیشه کامروا نمیشود رفتار دیگران با شما منعکس کننده رفتار شما با آنها نیست در واقع، شما با انجام رفتار درست به هر آنچه که می‌خواهید نیاز دارید یا لایقید نمی‌رسید این حرف‌ها در ظاهر شاید ارزش مطرح شدن داشته باشند و دقیقاً همان انتظاراتی باشند که از یک دنیای ایده آل داریم، اما این دنیایی نیست که من و شما در آن زندگی می‌کنیم. برای پیروزی در دنیای واقعی، این افراد خطرات زندگی در "محیط شهری" را به جان خریدند و به هیچ چیز "بی ارزشی" تن ندادند آنها شرافت خود را فروختند تسلیم آنچه که نمی‌خواستند نشدند و برای پیروزی تلاش کردند

"من ۷ کتاب دیگر نیز نوشته‌ام و به هر یک از آنها افتخار می‌کنم. همانطور که گفتم نوشتن کتاب، کار سختی است. اگر واقعاً بخواهید آن را به درستی انجام دهید به زمان زیاد تلاش فراوان و تیمی متعهد نیاز دارید نمی‌دانم نویسندگان دیگر چگونه کتاب می‌نویسند اما من قبل از نهایی کردن یک فصل، حدود ۲۰ یا ۲۵ نسخه پیش نویس مینویسم و این تعداد حاصل ماه‌ها تحقیق است. به همین دلیل، من اصلاً مطمئن نبودم که می‌خواهم کتاب جدیدی بنویسم - یعنی تا زمانی که دیوارهای محل کارم را با تمام آن اطلاعات پوشاندم هنوز مطمئن نبودم. بلافاصله بعد از اینکه این کار را کردم؛ تبدیل به مردی مشتاق و متعهد شدم و این کتاب خود به خود شروع به نوشتن کرد رابین می‌آمد و می‌گفت: "چرا از سختی این کتاب و وقت گیر بودنش شکایت نمی‌کنی و غر نمی‌زنی؟" من می‌گفتم: "بشین تا در موردش بهت بگویم." حدود ده دقیقه بعد او خندید و گفت: "آروم باش، فهمیدم. متوجه شدم!"

شاید بیش از آنچه که باید در مورد منشأ این کتاب و نحوه تدوین آن توضیح داده‌ام. اما من به این نتیجه رسیدم که می‌خواهم جزئیات "پنهان و پشت پرده" را نیز آشکار کنم و به شما این امکان را بدهم تا به هر آنچه که منجر به نوشتن این کتاب شده پی ببرید. من نه تنها از نوشتن آن بلکه برای شما که می‌خواهید آن را بخوانید نیز هیجان زده‌ام. همانطور که گفتم، قصد دارم به شما در مورد "هشت شهر" (۸ ویژگی شاخص افراد بد) بگویم. سپس "۱۵ روش غیراخلاقی" یا ۱۵ ترفندی که این افراد برای چیره شدن به شما، من و دیگران استفاده می‌کنند را معرفی خواهم کرد قصد دارم به شما "شیوه‌نامه" آنها را نیز نشان دهم و به طور دقیق بگویم که آنها چگونه از این ترفندها استفاده می‌کنند این آگاهی به شما قدرت بی‌ظنری خواهد داد سپس، صحبت در مورد افراد بد را کنار گذاشته و به شما می‌پردازیم. در اینجا است که به شما "۱۶ خیر" را معرفی می‌کنم. ۱۶ کاری که افراد موفق به طور پیوسته انجام می‌دهند تا موفق شوند شما نیز قادر به انجام این "۱۶ خیر" هستید من نمی‌خواهم شما را تغییر دهم بلکه می‌خواهم به شناختی که از خودتان دارید اضافه کنم.

اگر تا این لحظه همه دستورالعمل‌های مطرح شده در "کتاب‌های مختلف" را انجام داده‌اید و هنوز در جایگاه مورد علاقه‌تان نیستید باید بدانید که انتخابات اشتباهی داشته‌اید. حالا وقت آن رسیده که کتاب درستی را انتخاب و بخوانید

پس بزن بریم...